125907 ـ جستجوی ویژگی‌های دنیوی در خواستگار و نامزد

سوال

هنگامی که شخصی به خواستگاری من آمد، این حدیث را ذکر کرد که پیامبر ﷺ فرمودند: تُنكح المرأة لأربع: لدينها، ومالها، وجمالها، ونسبها، فاظفر بذات الدين تربت يداك (زن برای چهار چیز به نکاح درمی‌آید: برای دین او، مال او، زیبایی او و نسب او؛ پس به دست‌یافتن زن دین‌دار را به دست آور، دستانت خاکی باد!). سؤال من این است: آیا برای زن جایز است که به همان دلایل با شخصی ازدواج کند؟ اگر جایز است، چرا پیامبر ﷺ در همان حدیث این موضوع را ذکر نکردند، یا اینکه خطاب فقط مخصوص مردان بود نه زنان؟ و دربارۀ انتخاب شوهر توسط زن، حدیثی خواندم که در آن پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «إذا جاءكم من ترضون دينه وخلقه فزوجوه، إلا تفعلوا تكن في الأرض فتنة وفساد كبير» (هرگاه کسی نزد شما آمد که از دین و اخلاق او راضی بودید، به او زن دهید؛ اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین رخ می‌دهد). چرا پیامبر ﷺ فقط یک صفت برای مرد ذکر کردند که آن دین است و باقی صفاتی را که در حق زن ذکر کرده بودند [که برای چهار چیز به نکاح درمی‌آید] نیاوردند؟ آیا جایز است حدیث اول را بر هر دو (زن و مرد) تطبیق داد؟ و چرا تخصیص فقط برای مرد بود؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

نخست باید روشن کنیم که شریعت اسلامی بر جستجوی زن صالح و دین‌دار و همچنین شوهر صالح و صاحب دین مستقیم تشویق کرده است؛ بنابراین دین مقصد اول و اصلی است و دیگر ویژگی‌ها مانند زیبایی، مال، حسب و نسب تابع هستند؛ این صفت‌ها به خودی خود نکوهیده نیستند و اساساً مقصود اصلی هم به شمار نمی‌روند، بلکه صفت‌های تکمیلی هستند که اگر یافت شوند غنیمت کامل است و اگر یافت نشوند، دین معیار هر خیری است.

ستایش‌های آمده در سنت دربارۀ برخی از این ویژگی‌ها در زن، بر این موضوع گواهی می‌دهد؛ از جمله آنچه از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: پرسیده شد: ای رسول الله! کدام یک از زنان بهترند؟ فرمودند: «آن زن که هرگاه [شوهرش] به او بنگرد شادمانش سازد و چون به او فرمان دهد اطاعتش کند و در خود و مالش برخلاف میل شوهر رفتار نکند». احمد (۲/۲۵۱) آن را روایت کرده و آلبانی در السلسلة الصحيحة (۱۸۳۸) آن را حسن دانسته است.

همین موضوع درباره شوهر نیز صادق است؛ اصل، جستجوی ازدواج با فرد صالح و باتقوا است که وصف او در حدیث

چنین آمده است: «ترضون دینه وخلقه» (از دین و اخلاق او راضی باشید). پس اگر زیبایی، مال و حسب نیز با آن همراه باشد، از نعمت‌های الله است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ ضایع کردن مال توسط مرد و عدم توانایی او بر انفاق بر همسرش را دلیلی برای روی‌گردانی از ازدواج با او دانستند؛ و آن در حدیث فاطمه بنت قیس رضی الله عنها است که گفت: «هنگامی که [از عده] خارج شدم، به پیامبر ﷺ یادآور شدم که معاویه بن ابی‌سفیان و ابوجهم از من خواستگاری کرده‌اند؛ رسول الله ﷺ فرمودند: اما ابوجهم که چوبش را از شانه برنمی‌دارد [کنایه از سفر زیاد یا کتک زدن]، و اما معاویه که تهیدست است و مالی ندارد؛ با اسامه بن زید ازدواج کن». به روایت مسلم (۱۴۸۰).

علامه سعدی رحمه‌الله می‌گوید:

«اگر در کنار دین‌داری، ویژگی دیگری هم به دست آید که چه بهتر؛ وگرنه دین‌داری برترین صفت مورد نظر است».

«بهجة قلوب الأبرار وقرة عيون الأخيار في شرح جوامع الأخبار» (۱۲۰).

با روشن شدن آنچه گذشت، پاسخ پرسش مطرح‌شده را دانستیم و دریافتیم که مال، اصالت خانوادگی و زیبایی از امور پسندیده در همسر نزد عموم مردم ـ خواه مؤمن و خواه کافر ـ است؛ و گرایش به این ویژگی‌ها در سرشت بشر و آداب و رسوم مردم ریشه دارد و شریعت نیز با آن مخالفتی ندارد. دلیل اینکه در شریعت به این امور توجه داده نشده، این است که مردم به طور طبیعی به این مسائل توجه دارند و آن‌ها را می‌طلبند، تا جایی که حتی در این زمینه زیاده‌روی کرده و دیگر امور مهم را رها می‌کنند. از این رو شریعت بر آنچه مردم از آن غافل می‌شوند یا اهمال می‌کنند تأکید کرده است؛ با اینکه در ترازوی شرع، این ویژگی (یعنی دین‌داری) بزرگترین هدف در میان صفات است و همین امر نیز راه و روش مؤمن صالح را از دیگر مردم متمایز می‌سازد.

به همین جهت پیامبر ﷺ در حدیث مشهور فرمودند:

از این رو پیامبر ﷺ در حدیث مشهور فرموده‌اند: «زن برای چهار چیز به همسری گرفته می‌شود: برای مالش، برای اصالت خانوادگی‌اش، برای زیبایی‌اش و برای دینش؛ پس به زن دین‌دار دست یاب، دستانت به خاک مالیده شود!». بخاری (۵۰۹۰) و مسلم (۱۴۶۶) آن را روایت کرده‌اند.

امام نووی رحمه الله می‌گوید:

«صحیح در معنای این حدیث آن است که پیامبر ﷺ از آنچه مردم معمولا انجام می‌دهند خبر داده‌اند؛ چرا که آن‌ها این خصلت‌های چهارگانه را قصد می‌کنند و آخرین آن‌ها نزدشان دیندار است؛ پس تو ای هدایت‌جو، با دست‌یافتن به زن دیندار کامیاب شو، نه اینکه ایشان به آن [سه مورد دیگر] امر کرده باشند». پایان سخن.

«شرح مسلم» (۵۱/۱۰ـ۵۲).

ایشان ـ رحمه الله ـ همچنین می‌گوید:

«معنای آن این است: مردم به طور معمول از زن این چهار ویژگی را می‌طلبند؛ پس تو حتماً زن دین‌دار را انتخاب کن و به او دست یاب و بر همراهی با او کوشا باش».

«ریاض الصالحین» (۴۵۴).

قرطبی رحمه الله می‌گوید:

«این چهار ویژگی همان موارد پسندیده در ازدواج با زن است و همان چیزهایی است که مردان از زنان می‌طلبند؛ پس این سخن، خبری از واقعیت موجود است، نه اینکه به آن فرمان داده شده باشد. ظاهر آن نشان می‌دهد که ازدواج به قصد مجموع این ویژگی‌ها یا یکی از آن‌ها مباح است، اما مد نظر قرار دادن دین سزاوارتر و مهم‌تر است».

«المفهم لما أشكل من تلخيص صحيح مسلم» (۴/۲۱۵).

شیخ سلیمان بن منصور عجیلی جمل ـ از فقهای شافعی ـ می‌گوید:

«برخی به این حدیث بر استحباب زیبایی زن استدلال کرده‌اند، که زرکشی بر آن خرده گرفته و گفته است: استدلال به این حدیث بر زیبایی زن شگفت‌آور است؛ زیرا این بیانگر عادت و رسم مردم است و فرمانی به ازدواج با زن زیبا در آن نیست. این اشکال و اعتراضی واضح [و درست] است، همان‌طور که فرمانی به ازدواج با زن صاحب‌مال، دارای اصالت خانوادگی و زیبا در آن وجود ندارد».

«فتوحات الوهاب بتوضيح شرح منهج الطلاب المعروف بحاشية الجمل» (۴/۱۱۸).

برخی از اهل علم بر این باورند که این صفات شرعاً مورد ترغیب هستند و برای خواستگار مستحب است که آن‌ها را در نامزد خود بجوید، اما به شرطی که دین اصل و اساس باشد و دیگر صفت‌های ذکر شده با آن تعارضی نداشته باشند؛ پس اگر تعارضی رخ داد، حتماً دین مقدم می‌شود.

ابن‌حجر رحمه الله می‌گوید:

«از این حدیث چنین برداشت می‌شود که برای فرد با اصل و نسب مستحب است با زنی دارای اصل و نسب ازدواج کند، مگر اینکه تعارضی پیش آید: زنی اصیل اما بی‌دین، و زنی غیر اصیل اما دین‌دار؛ که در این صورت زن دین‌دار مقدم می‌شود

و در همهٔ ویژگی‌های دیگر نیز داستان به همین گونه است.

سخن پیامبر که فرمود: «وجمالها»؛ از آن مستحب بودن ازدواج با زن زیبا برداشت می‌شود، مگر اینکه تعارضی پیش آید: زنی زیبا اما بی‌دین، و زنی نازیبا اما دین‌دار. آری، اگر در دین‌داری برابر باشند، زن زیبا سزاوارتر است؛ و زنی که صفت‌های نیکی دارد نیز به زنی که ظاهر نیکی دارد ملحق می‌شود، و از جملهٔ آن صفات نیک این است که مهریه‌اش سبک باشد.

سخن پیامبر که فرمود: «فاظفر بذات الدين»؛ و در حدیث جابر آمده است: «فعليك بذات الدين»؛ معنایش این است: آنچه شایستهٔ فرد دین‌دار و با مروت است، این است که دین در هر چیزی مد نظر و هدف [اصلی] او باشد، به‌ویژه در کاری که همراهی با آن طولانی است؛ از این رو پیامبر ﷺ او را به دست آوردن همسر دین‌دار مأمور ساختند که غایت و نهایت خواستهٔ انسان است. در حدیث عبدالله بن عمرو نزد ابن‌ماجه به صورت مرفوع [که در آن ضعفی هست] آمده است: «با زنان برای زیبایی‌شان ازدواج نکنید، چه بسا زیبایی‌شان آنان را نابود سازد ـ یعنی به هلاکت اندازد ـ و با آنان برای اموالشان ازدواج نکنید، چه بسا اموالشان آنان را به طغیان وا دارد؛ بلکه با آنان بر اساس دین ازدواج کنید، و قطعاً کنیزی سیاه‌پوست و دین‌دار برتر است».» نقل به اختصار.

«فتح الباري» (۹/۱۳۵-۱۳۶).

بسیاری از کتب شافعیان به این حدیث بر مستحب بودن ازدواج با زن زیبا استدلال کرده‌اند.

همچنین در شرح منتهى الإرادات (۲/۶۲۳) ـ از کتاب‌های حنبلیان ـ آمده است: «و همچنین بر اساس خبر ـ یعنی همان حدیث پیشین ـ انتخاب زن زیبا سنت است».

این مسئله جای انعطاف فراوان دارد ـ ان‌شاءالله ـ تا زمانی که بر سر هدف اصلی در همسر یعنی دین‌داری اتفاق‌نظر باشد، و دیگر ویژگی‌های دنیوی نکوهیده نباشند، بلکه مورد ستایش باشند.

اما اینکه ویژگی‌های مورد نظر در مردان برای ازدواج، مانند صفات زنان ذکر نشده است، به دلیل تبعیض میان آن دو نیست؛ بلکه بدان سبب است که به طور معمول مرد به دنبال همسر می‌گردد و در او به دنبال صفات دلخواهش است، و زن تنها به صفات کسی می‌اندیشد که به خواستگاری‌اش آمده است. از این رو مناسب‌تر آن بود که خطاب در حدیث «تنكح المرأة لأربع» بر اساس رسم غالب مردم تنظیم شود، نه بر پایهٔ موارد اندک و نادر.

افزون بر این، بیشتر خطاب‌های شریعت متوجه مردان است و اصولیان مقرر کرده‌اند که خطاب به مردان، زنان را نیز شامل می‌شود مگر اینکه نشانه‌ای برای جداسازی وجود داشته باشد؛ وگرنه لزومی ندارد برای هر حکم شرعی، یک نص برای مردان و نصی دیگر برای زنان وارد شود. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «زنان همتایان مردان هستند».

ترمذی (۱۱۳) و دیگران آن را روایت کرده‌اند و آلبانی در «صحیح الجامع» آن را صحیح دانسته است.

و الله اعلم .